

بهزاد قربان پور؛
«در اتاق‌های یک هتل»
از زنان می‌گوید



کارگردان نمایش «در اتاق‌های یک هتل» عنوان کرد این اثر نمایشی با اقتباس از یکی از داستان‌های کوتاه چخوف درباره مشکلات بانوان در جامعه سخن می‌گوید.

بهزاد قربان پور درباره داستان نمایش توضیح داد: محوریت نمایش «در اتاق‌های یک هتل» درباره شرایط زندگی و مشکلات بانوان در جامعه است. نمایش داستان یک افسر نظامی در جنگ جهانی دوم را روایت می‌کند که به دلیل یاس و ناامیدی از جنگ‌های پی‌در پی کار خود را رها کرده و در هتلی به نام گورکی اقامت می‌گزیند و به خوشگذرانی مشغول می‌شود. وی در این هتل با اشخاص مختلفی روبرو می‌شود در حالی که ارتباط خوبی با زن‌ها ندارد...

این کارگردان تئاتر بیان کرد: در اجرای این نمایش هم از طنز اجتماعی و هم طنز سیاسی بهره برده شده است. داستان کوتاه چخوف فضای مناسبی برای ایده‌پردازی داشت و این امکان را به من داد که از یک داستان سه صفحه‌ای یک نمایشنامه استخراج کنم.

وی اظهار کرد: این نمایش اثری رئالیستی است که در برخی از صحنه‌ها فضایی سوررئال دارد و در مواردی نیز داستان به شیوه سایه‌بازی روایت می‌شود. طراحی صحنه نیز به صورت مینی‌مال انجام شده است.

کیاناز خان محمدی، محمدعلی فاضل، المیرا نقی‌نژاد، امیر محمد میرزاهمدی، مینا هادی‌زاده بازیگران این اثر نمایشی هستند که تا ۱۸ بهمن ماه هر شب ساعت ۲۱ در تماشاخانه نوفل لوشاترووی صحنه می‌رود.

شهرام کریمی خبر داد:

بودجه ۵/۳ میلیارد تومانی
تئاتر فجر



مدیر کل هنرهای نمایشی اعلام کرد اعتبار جشنواره سی‌وهفتم تئاتر فجر به اندازه اعتبار دوره سی‌وششم است و در برگزاری این دوره از جشنواره با نهایت صرفه‌جویی عمل خواهیم کرد.

شهرام کریمی درباره وضعیت بودجه سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، به خبرنگار مهر گفت: اعتبار دوره سی‌وهفتم جشنواره تئاتر فجر به اندازه اعتبار دوره سی‌وششم است و برای این دوره از جشنواره نیز اعتبار ۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان مصوب شده است، سال گذشته این میزان بودجه برای جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر هزینه و برای اسامال هم مصوب شد.

مدیر کل هنرهای نمایشی درباره وضعیت دریافت بودجه سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر یادآور شد: معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ما اعلام کرده که نگران بودجه مصوب این دوره از جشنواره نباشیم. تا حالا ۲ قسط از بودجه را دریافت کرده و بخشی از هزینه‌ها و قسط اول کمک هزینه گروه‌های نمایشی را پرداخت کرده است، به‌طور کلی نگران اعتبار برای برگزاری سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیستیم. مدیر کل هنرهای نمایشی در پایان سخنان خود درباره احتمال افزایش بودجه جشنواره سی‌وهفتم تئاتر فجر، تأکید کرد: احتمال افزایش بودجه جشنواره سی‌وهفتم منفی است و ما مجبوریم با نهایت صرفه‌جویی این دوره از جشنواره را برگزار کنیم. البته نگاهمان این است که این صرفه‌جویی روی کیفیت برگزاری جشنواره تأثیر گذار نباشد و سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را با کیفیت بالا برگزار کنیم.

اینجا جای متعرض خالی است؛

روایتی مردانه از «ضن»!

روایت احمدی از زنان و روزگارشان، روایتی «بازنمایانه-میمه‌سیس» است؛ او آن‌چه را که اتفاق افتاده، همان‌طور که اتفاق افتاده روایت می‌کند و نشان می‌دهد و این هشت زن، آن‌چه را احمدی از زنان آسیب‌دیده شنیده و خوانده، بازی می‌کنند، برای همین این زنان که بازنمون رنج خود هستند، مدام در این سیکل معیوب می‌روند و می‌آیند بی آن‌که رنج‌شان موجب استعلائی آنان بشود. تنه‌ازنی که رنج و آسیب خود را می‌پذیرد و از آن برای تعالی و دوباره بر خاستن استفاده می‌کند، زنی است که هنوز از میان کلمات بیرون نیامده است.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

نمایش: ضن
نویسنده و کارگردان: مهیار احمدی

بازیگران: (به ترتیب حروف الفبا) برکه بذری، مهسا باوفا، آیدارزاق زاده، گیز طاهایی، شیرین کاشفی، نوشین کریمی، فرشته مرعشی، محیانمازی

■ ■ ■

زنان از دردها، رنج‌ها و آسیب‌هایی که از سوی اجتماع خود-خانه، خانواده، فامیل، مدرسه، دانشگاه و محل کار-می‌بینند، یا اصلاً حرف نمی‌زنند یا خیلی کم و در خفا با اشاره‌ای از آن می‌گذرند. زنان رنج‌بردن و آسیب‌دیدگی را برای خود بسیار بدیهی می‌دانند؛ این‌که همه‌جا، تحت هر شرایط و در هر محیطی تامی‌توانند و می‌شود از خود مایه‌بگذارند و دم‌برنیاورند. اما البته هر چه زمان بیشتری بر سکوت می‌گذرد، فشاری که به دلیل این سکوت تحمل می‌شود نیز شدت می‌گیرد و در نهایت، وقتی به آستانه غیرقابل تحملش رسید، منفجر می‌شود. جنبش‌ها و اعتراضات اخیر زنان در جهان تحت عنوانی چون #metoo نمونه‌ای از این انفجارها بود که البته با دونوع واکنش مواجه شد هم از سوی زنان و هم از سوی مردان؛ مردان و زنانی بودند که هم‌نوا با این زنان بر تعرض و

تحکمی-چه جسمی و چه روانی- که بر این زنان رفته بود، برخاستند و از آنان اعاده حیثیت کردند و از سوی دیگر زنان و مردانی هم بودند که با قیافه و لحنی حق‌به‌جانب این زنان معترض را متهم کردند به این‌که اینان برای رسیدن به اهداف شغلی و گرفتن ترغیب، خودخواسته و با تمایل از امکانات زنانه‌شان استفاده کرده‌اند. نظر هر دو گروه طرفداران این جنبش‌ها و نیز مخالفان، جای بحث و گفت‌وگوی فراوان دارد که در این مجال نمی‌گنجد.

آن‌چه ما در این جامی خواهیم درباره آن حرف بزنیم نه «زن» که «ضن» است. موجودی که هویت او فقط و فقط در جسمانیتهش خلاصه می‌شود. موجودی که فقط به‌عنوان شیء ساختارمندی که مقداری شبیه مرد است، نیازی به نامیده شدن ندارد و تا نگاه و برداشت در مورد او عوض نشده باشد و به واقعیت او نزدیک نشده باشی چه اهمیتی دارد که او را زن بنامی یا ظن یا ضن!

«ضن» روایت زنانی است که به‌نحوی به آنان تعرض شده است. وقتی از «تعرض» سخن به میان می‌آید، اغلب ذهن‌مان صرفاً بر تعرض‌های جسمی و جنسی متمرکز می‌شود. اما حقیقت تلخ در زندگی زنان تنها تعرض‌های جنسی و جسمی نیست، که گاه زن در محیطی امن از نظر جسمی زندگی

زیرا گویی هر چه بیشتر حرف‌هایت را بخوری و فروبدهی و بیرون‌نریزی، رنج و درد، سنگین‌تر و گزنده‌تر می‌شود، اما با گفتن و به کلمه و صدا درآوردن آسیب در واقع انرژی مخرب و ویرانگر تروما، آزاد می‌شود... دودمی‌شود و گاه حتی با اثری درمانگرانه، از یاد می‌رود یا حداقل از میزان دردناکی و خجالت‌آور بودن آسیب کاسته می‌شود. چرا خجالت‌آور؟ چرا زنانی که مورد تعرض واقع می‌شوند یا بشرم و احساس گناه باید پنهان، حذف و نادیده گرفته شوند؟ احمدی روایتگر چنین چراهایی است در «ضن».

زنان و روزگارشان

احمدی می‌گوید وقتی وارد مسئله آسیب‌دیدگی زنان شدم، در پیخ اینستاگرامم، یک فراخوان دادم و از زنانی که

زنانی را نوشته است که برای او اعتراف کرده‌اند، او خواسته است روایتگر زنان آسیب‌دیده جامعه‌اش باشد. کار تا همین حد هم ستایش برانگیز است؛ آن‌هم در جامعه‌ای با ساختاری که زنان از سوی زنان بیشتر مورد تعرض کلامی و قضاوت‌های اخلاقی و هنجاری سخت قرار می‌گیرند تا از سوی مردان. و البته که روایت احمدی، از تعرض زنان بر زنان سخن نمی‌گوید و آن را نادیده می‌گیرد، زیرا این فرصت را تنها برای حرف‌زدن از رنج پنهان شده و خالی کردن آن، غنیمت می‌داند. این جاست که باید گفت اگر مردی از ظلمی که از سوی مردان بر زنان می‌رود، سخن می‌گوید چه خوب است که زنی هم با پیش‌بگذارد و از ظلمی که زنان از سوی یکدیگر بر همدیگر روا می‌دارند، از هولناکی جریان زنان علیه زنان سخن بگوید و این حوزه را او کاوی کند که همین هم دقیقاً بر خاسته از تحکم مردانه بر زنان است؛ جایی که زنان فقط در معرض انتخاب‌اند و فرصت کمی برای اجتماعی شدن داشته‌اند، طبیعی است که در رقابتی می‌افتند که پای نگاه و انتخاب مردانه در میان است و ظلم زنان به زنان دقیقاً همین‌جا آغاز می‌شود. چنین است زنان و روزگاری که بر آنان می‌رود؛ هم از سوی مردان و هم از سوی زنان!

بازنمایی و کاتارسیس

روایت احمدی از زنان و روزگارشان، همان‌گونه که خود نیز اشاره کرده است، روایتی «بازنمایانه-میمه‌سیس» است؛ او آن‌چه را که اتفاق افتاده، همان‌طور که اتفاق افتاده روایت می‌کند و نشان می‌دهد و این هشت زن، آن‌چه را احمدی از زنان آسیب‌دیده شنیده و خوانده، بازی می‌کنند، برای همین این زنان که بازنمون رنج خود هستند، مدام در این سیکل معیوب می‌روند و می‌آیند بی آن‌که رنج‌شان موجب استعلائی آنان بشود. تنها زنی که رنج و آسیب خود را می‌پذیرد و از آن برای تعالی و دوباره بر خاستن استفاده می‌کند، زنی است که هنوز از

حقیقت تلخ در زندگی زنان تنها تعرض‌های جنسی و جسمی نیست، که گاه زن در محیطی امن از نظر جسمی زندگی می‌کند اما به‌صرف زن بودنش مدام مورد تعرض قرار گرفته بودند خواهش

مورد تعرض قرار گرفته بودند خواهش درباره مسئله خودشان به شکل ناشناس و بدون نام برایش بنویسند. همین نوشته‌ها برای احمدی آغاز چالشی شد که به «ضن» انجامید. او البته با این‌که سعی می‌کند با درکی عمیق، مشکل رنج و درد چنین زنانی را به تصویر بکشد و متجسم کند، اما قطعاً نمی‌تواند به آن حس‌های زنانه با خود حمل می‌کنند حتی نزدیک هم نشود. او فقط می‌تواند روایتگر و نمایش‌دهنده این رنج باشد و گاه به همین دلیل، در دام کلیشه‌های ذهنی مردانه می‌افتد و با این‌که بازیگران زن قاعدتاً باید بتوانند انتقال‌دهنده عمق این تروما باشند، اما چون داستان را احمدی نوشته و روایت و کارگردانی کرده، طبیعتاً نمایش در کلیت خود یک مردانه و نگاه مردانه است. زن از تعرض عملی و لفظی می‌برد، چه اندازه می‌تواند باخبر شود، آن‌هم در حالی که در همین ساختار و بستر مردانه قرار است به آن پرداخته شود.

میان کلمات بیرون نیامده است. زنی که احمدی او را فقط نوشته است و کسی نیست که نقش او را بازی کند و از همین جاست که می‌گوییم با تمام تلاشی که احمدی کرده است، آن کلیشه مردانه هنوز حاکم است؛ هنوز زنی نیست که شجاعت برخاستن و شگفتن از رنج خود را داشته باشد. این زن نوشته می‌شود، اما آفریده نمی‌شود. احمدی گرچه در این فرصت درگیر چالشی بازی‌نمایانه از زنان آسیب‌دیده است اما البته با نوشتن همان زن پذیرنده و متعالی، می‌خواهد انتظارش از تماشاگر زن را اعلام کند؛ این‌که اگر من در این جا با روایت فقط یک «میمه‌سیس» انجام می‌دهم تو با زندگی روایت من از آن جایی که فقط در نوشته و کلمه باقی مانده، آفرینشگر «کاتارسیس»-تکیه و استعلا- باش.

تو به‌عنوان زن آسیب‌دیده، وقتی از این جا بیرون می‌روی، باید درگیر زن متعالی باشی که من نتوانستم آن را

جایی که زنان فقط در معرض انتخاب‌اند طبیعی است که در رقابتی می‌افتند که پای نگاه و انتخاب مردانه در میان است و ظلم زنان به زنان دقیقاً همین‌جا آغاز می‌شود. چنین است زنان و روزگاری که بر آنان می‌رود؛ هم از سوی مردان و هم از سوی زنان

بنمایانم چون به عنوان مرد هیچ تصویری از زن متعالی ندارم و واقعیت تلخ جامعه ما همین است؛ زن برای مرد جامعه ما همان «زن اثیری» است که آخرین روایتگرش هدایت بوده است. این زن هنوز فرصت زندگی نیافته است. هنوز در لابه‌لای کلمات مردانه، روایت‌های مردانه، نیازها و تصورات مردانه دست و پا می‌زند و راه برون‌جستی نمی‌یابد!

به هر حال محافظه کارانه!

بله، روایت احمدی در «ضن» در نخستین نگاه شجاعانه به نظر می‌رسد؛ این‌که جسارت کنی و زنانی را که به آنان تعرض شده و اداری در میان یک جمع داستان خود را بازگو کنند. اما از جایی به بعد، چراغی در ذهن زن تماشاگر روشن می‌شود؛ این‌که روایتگر مرد این داستان‌ها، تا چه حد محافظه‌کارانه با مسئله‌ای تا این حد تابو شده برخورد می‌کند تا هم در این باره حرف زده باشد و هم حرف نزده باشد. آری به زنان تعرض می‌شود؛ اما این دلیل نمی‌شود که زنان منتظر تغییر یا منجی باشند؛ ببینید زنی هم هست که می‌تواند تغییر را از خودش آغاز کند... من این زن را نوشته‌ام! مهم نیست که جامعه از درک و همدلی و همیاری تهی است، مهم این است که تو خودت به‌عنوان یک زن با این همه فشار و حصار و انتظار و جو قضاوت‌گرانه، تا چه حد می‌خواهی و می‌توانی خودت را از این



کلیشه‌ها را کنی و زندگی واقعی‌ات را زندگی کنی و این یعنی دقیقاً گرفتار کردن یک انسان در زندانی با هزاران دیوار و تماشای تقلائی او برای رها شدن از این حصارهایی که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. احمدی داستان تعرض دیده را بازنمایی می‌کند؛ داستانی که در آن جای مردان متعرض به شکلی محافظه‌کارانه، خالی است.

در واقع احمدی نیز باید بکت‌وار اعتراف کند که چگونه نمایشش در تلاش برای بازگویی داستانی که با آن ارتباط مانوس و ملموسی ندارد، شکست خورده است؛ آن‌چه احمدی خواسته بیان کند، در حقیقت امری عمیقاً بیان‌ناپذیر است. زیرا فقط آسیب و آسیب‌دیده حضور دارد، از قوای حاکمه و آسیب‌زننده هیچ خبری نیست... زیرا هر چه باشد خود احمدی احیاناً با تمام طهارت و پاکیزگی‌اش، به آن جنبه تعلق دارد!